

تشویق بهتر است یا تنبیه؟

منظور از تشویق این است که افراد چگونه باید تشویق شوند و همچنین تنبیه در مورد

آنها چگونه باید باشد؟

و آیا افراط و تفریط در این امر ضروری است؟

آیا تنبیه بدنی لازم است؟

و آیا لازم است که در ابتدای کار تنبیه انجام شود؟

و همچنین تشویق و تنبیه در کدامیک از مراحل زندگی بر روی فرد تاثیر میگذارد؟

و نیز تشویق و تنبیه به چه معناست؟ و ما از آن چه تصویری داریم؟

فصل اول

برای تربیت بدنی معنای مختلفی در نظر گرفته اند که در کتب و تربیت به چشم میخورد
بعضی میگویند: تربیت علمی است که از طریق نسل بالغ درباره ی آنها که رشد کافی
نیافته اند به منظور پرورش جسمی، فکری و اخلاقی شان انجام میشود تا آنها را برای
عضویت در زندگی انسانی آماده کند.

عده ای گویند: تربیت عبارت است از یک عمل عمدی و آگاهانه و دارای هدف که به
منظور رشد دادن یا ساختن و دگرگون کردن و نیز شکفتگی استعدادهای مادر زادی او
انجام شود. آنچه در تعریف تربیت لازم و ضروری است که توجه شود و از
خصوصیات و ویژگی هایی است که تربیت باید داشته باشد عبارت است از: آگاهانه
بودن، دائمی بودن، دارای هدف و جهت بودن، شکوفا نمودن نیروهای فطری و استعداد
غرائز (در غیر انسان) و کلا پرورش قوای جسمی و روحی و روانی انسان.
هر گاه از طرف فردی آگاه و تربیت یافته استعدادهای انسان در راستای مطلوبی شکوفا
گشته و از قوه به فعلیت در آید تربیت در انسان صورت گرفته است.

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

مفهوم تعلیم: تعلیم یعنی فراهم آوردن زمینه های و عوامل لازم برای فراگیری فرد.

بعضی هم در معنی تعلیم ، انتقال معلومات به ذهن فرد را متذکر شده اند و معتقدند که

علم از معلم به فرد منتقل میشود ه در اصل تفاوت چندانی بین دو تعریف وجود ندارد.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

تفاوت معنای تعلیم و تربیت

الف: مفهوم تربیت گسترده تر از تعلیم است، تعلیم اختصاص به انسان دارد که داری درک و فهم و شعور است و قدرت یادگیری دارد ولی تربیت در مورد موجودات فاقد شعور که در عین حال رشد میکنند نیز به کار میرود. برای مثال باغبانی که به پرورش گل و گیاه می پردازد و در حقیقت به تربیت و زمینه سازی برای فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه گیاه پرداختند بنابراین کار باغبان تربیت است نه تعلیم دادن.

ب: هدفهای تربیت نسبت به اهداف تعلیم، از گستردگی بیشتری برخوردار است. در تربیت هدف این است که زمینه رشد و شکوفایی همه استعداد های درونی انسان اعم از جسمانی و روحانی و عقلی و عاطفی رشد کند، در صورتی که هدف در تعلیم دادن معلومات یا افزایش آن در ذهن فرد است.

ج: تربیت عملی است و تعلیم ذهنی؛ افراد بسیاری هستند که نسبت به مسائل مختلف، علم و آگاهی زیاد میدارند ولی از آن همه علم و دانش در مقام عمل بهره ای نبرده اند.

د: تربیت دشوار تر از تعلیم است؛ تربیت از آن جهت دشوار تر است که فرد باید خود را با دیگری را طوری بسازد که بتواند دانسته های صحیح خویش را به عمل در آورد.

اهداف تعلیم و تربیت

هربرت اسپنسه فیلسوف انگلیسی (۱۹۰۳-۱۸۲۰) اهداف آموزش و پرورش را چنین بیان

میکند: ۱- تربیت برای رشد شخصیت ۲- تربیت برای ادای وظایف پدر و مادر ۳-

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

تربیت برای رفتار و ادای وظایف اجتماعی و سیاسی ۴- تربیت برای رضایت خاطر و

خوشحال بودن و خوشحال زندگی کردن ۵- تربیت برای استفاده از وقت آزاد و تفریح

(همان منبعی که در آخر فصل ذکر میشود.) کارشناس دیگری به نام دکتر ونر waues

عقیده دارد که : هدف آموزش و پرورش خارج کردن افکار از بن بستها میباشد. ژان ژاک

ووسو معتقد است: هدف، تامین آزادی و کشف طبیعت انسان است.

فصل دوم : تشویق

تشویق از ابزار مهم تعلیم و تربیت است که از آن به عنوان ابزار معجزه آسا یاد میشود که اگر درست و به جا و به موقع و حساب شده به کار رود اثرات شگفت آوری خواهد داشت و در صورت عدم استفاده صحیح اثرات نامطلوب در پی خواهد داشت که چه بسا موجب ناهنجاری هایی در روح و روان و جسم فرد میگردد از طریق تشویق نه تنها به کودکان بلکه هب بزرگترها نیز میتوان فهماند ه خوب و بد و خوبان و بدان مساوی نبوده و افراد جامعه و خصوصا افراد تیز بین به آنها به یک چشم نمی نگرید.

نقش تشویق در تربیت

جای بسی خوس وقتی است که امروزه، روانشناسان و صاحب نظران در امور تعلیم و تربیت به نقش مهم و سازنده تشویق پی برده اند و از آن به وسیله ی یک ابزار مفید رد امر تعلیم و تربیت استفاده کنند و از راههای مختلف از جمله از طریق آزمایشهای متعدد تاثیرات فراوان تشویق را بر همگان روشن نموده اند به عنوان نمونه موردی از کتاب تعلیم و تربیت اسلامی در این جا نقل میشود:

« در یک آزمایش ۱۶۰ دانش آموز را که معلومات درس حساب آنها برابر و سن آنها نیز

یکسان بود به ۴ گروه تقسیم بندی کردند هر یک از این گروه ها میبایست تا حد امکان

۳۰ مساله ای حساب را در مدت معینی (۱۵ دقیقه) حل کنند.

هر روز پس از پایان کار افراد گروه اول را جلوی دیگران آورده آنها را به خاطر

اشتباهاتشان در حل مسائل بودن آنکه خود افراد گروه از اشتباهات خود با خبر باشند،

سرزنش میکردند، در مورد افراد گروه دوم به عکس افراد گروه اول عمل میشد. به این

ترتیب که افراد را به خاطر مسائل صحیحی که حل کرده بودند تشویق میکردند، بودن

آنکه اشتباهات آنها را تصحیح کنند. در مورد گروه سوم که شاهد این گونه تشویقها و

تنبيه ها بودند هیچ عکس العملی نشان داده نمی شد. گروه چهارم ، در اتاق دیگری به

حل مسائل می پرداختند و از این برنامه ها هیچ اطلاعی نداشتند.

در آغاز کار متوسط نمره های هر ۴ گروه مساوی بود و به طور متوسط افراد گروه در

حدود ۱۲ مساله را از ۳۰ مساله پاسخ میداند اما از روز سوم وضع تغییر کرد به این ترتیب

هک متوسط نمره گروهی که افراد آن تمجید و تشویق میشدند روز به روز افزایش یافت

و میانگین نمره گروهی که مورد سرزنش بودند رو به کاهش و نقصان گذاشت دو گروه

دیگر وضع ثابتی نداشتند و در پیشرفت و عدم پیشرفت آنها آهنگ خاصی مشاهده نشد

نوجوانان چگونه باید تشویق شوند؟

تشویق چیست؟ تشویق فرایند توجه کردن به منابع شخص و حمایت های مثبت به منظور بالابردن عزت نفس، خود انگاری او احساس ارزشمندی است، پدر و مادر میتوانند نوجوانان خود را با توجه کردن به توانایی های او تشویق نمایند.

راههای تشویق کردن: پدر و مادر به روش های ساده ای میتوانند نوجوانان خود را تشویق کنند اگر از سیاست تشویق به حد کافی استفاده شود، رابطه ی جدیدی میان پدر و مادر و فرزندانشان ایجاد میشود، پدر و مادر تشویق کننده برای نوجوان نشان همانطور که هست ارزش قائل می شوند آنها را با انتظارات منفی خود زیر فشار نمی گذارند از جمله روشهای تشویق میتوان به نشان دادن اعتماد به توان مندی، کمک به افزایش حرمت نفس، تشویق و شناسایی تلاش و بهبودی اشاره کرد. که هر یک از این موارد به اختصار توضیح داده خواهد شد.

اطمینان داشتن توان مندی نوجوان: تشویق کننده ها به نوجوان شان اعتماد دارند این گروه از والدین بی انکه از نوجوانشان بخواهند توانمندی های خود را ثابت کند به او اعتماد می کنند.

والدینی که پیوسته در مقام نظارت بر کارهای نوجوانشان هستند، کسانی که پیوسته در رفت و آمد آنها را کنترل میکنند؛ نوجوان ها را به قبول مسئولیت در قبال خود تشویق نمی نمایند. البته این به آن معنا نیست که پدر و مادر هرگز محدودیت هیای برای

فرزندانشان در نظر نگیرند یا در مقام راهنمایی آنها کاری صورت ندهند. واقعیت این است که نوجوان ها به راهنمایی احتیاج دارند اگر پدر و مادر بعد از راهنمایی نوجوانشان احساس کردند که آنها مطابق خواسته شان رفتار نمی کنند باید با فرزندشان به گفتگو بنشینند.

ایجاد حرمت نفس: تشویق کننده ها از مقایسه نوجوان ها با خواهران و برادران و یادوستان خوداری میکنند. چه نیازی است که بدانیم نوجوان دیگری چه میکند و چگونه ظاهر میشود؟ مقایسه از حرمت نفس نوجوان میکاهد زیرا تلاش های او را زیر سوال میرد. تشویق کننده ها به هدفهای نوجوان های خود بها میدهند به تلاش های آنها ارج میگذارند و به شایستگی های خود آنها توجه دارند.

به همین دلیل شکل والدین تشویق کننده تفاوتهای فردی را می پذیرند. نوجوان ها ممکن است بخواهند متفاوت از پدر و مادر شان زندگی کنند ممکن است ایده ها و باورهای متفاوتی داشته باشند. مثلا ممکن است دانش آموزی به آن جهت درس بخواند که در آینده آموزگار شود و پدر و مادرش ممکن است که بازرگانی و تجارت را ترجیح دهند. اگر پدر و مادر این حق تصمیم گیری فرزندان شان را نپذیرند، اختلافاتی ممکن است بروز کند.

تشویق کننده ها در ضمن به علایق فرزندانشان بها میدهند تشویق کردن هرگز به این معنا نیست که نوجوان ها را به انجام کارها مطابق میل و خواسته ی پدر و مادر وادار

کنیم. به جای آن تشویق روشی برای کمک به نوجوان است تا به هدفهای خود دست

یابد ارج گذاشتن به تلاشها و پیشرفتهای یکی دیگر از راهها تشویق نوجوان هاست.

ارج گذاشتن به تلاشها و پیشرفتهای: ارج گذاشتن به موفقیت نوجوان ها کار دشواری

نیست اما باید توجه داشت که موفقیت همه روزه حاصل نمیشود. اگر پدر و مادر تشویق

خود را به کار انجام شده و با موفقیت به پایان رسید محدود کنند، از شمار مواردی که

میتوانند اقدام به تشویق کنند به مقدار زیادی کاسته میشود. اما پدر و مادر میتوانند به

جای تشویق اقدامات صورت گرفته به فرایند کار و تلاش توجه کنند و در مقام تشویق

آن حرف بزنند.

زبان تشویق: تشویق زبان خود را دارا است. این طرز صحبت از داروی ارزش میشود.

از کلماتی مانند خود و عالی و بی نظیر استفاده نمی شود به جای آن به نوجوان ها کمک

میکند تا خودشان را باور کنند. عباراتی که پذیرش و پذیرفتنی را تداعی میکنند: در این

باره چه احساسی داری؟

از کارت خوشم آمد.

خوشحالم که از کارت راضی بودی.

عباراتی که اعتماد و اطمینان را نشان میدهند: میتوانی از عهده این کار بر آیی

داری پیشرفت میکنی.

عباراتی که تلاش و پیشرفت را هدف قرار میدهند: پیشرفت زیادی می بینیم.

به نظر میرسد که در کارت موفق

عباراتی که به نقاط قوت، مساعدت و مشارکت اشاره دارند. از این که کمک کردی
متشکرم.

ممکنه در این کار به من کمک کنی؟

وقتی کسی به خاطر کارش تشویق میشود در پایان عبارات تشویق کننده نباید از جملات
دلسرد کننده استفاده شود: «کارت خیلی خوب بود اما اگر تلاش کنی از این هم بهتر
میشوی. به کارت ادامه بده»

تفاوت میان تحسین و تشویق: بیشتر والدین اغلب دو روش تحسین و تشویق را با هم
اشتباه میگیرند. تحسین نتایج کاملاً متفاوتی ایجاد میکند. توجه به تفاوت میان این دو از
اهمیت زیادی برخوردار است.

تحسین، پاداشی است که برای یک موفقیت به دست آمده تکمیل شده پرداخت میکنند.
تحسین را معمولاً مقامات (پدر، مادر، آموزگار) میکنند. دلیلش هم این است که می بینید
نوجوان به هدفی که برایش تعیین شده رسیده است تا زمانی که یک فرد به موفقیتی
دست نیافته تحسین نمی شود اما تشویق میتواند در زمانی که موفقیت به دست نیامده
صورت خاصی پیدا کند. تشویق میتواند مشمول تلاش، پیشرفت و حتی نشان دادن
علاقه باشد تشویق نشانه ی قدر شناسی از توان مندی های نوجوان است. تشویق
پاداشن نیست؛ تصدیق کردن و به جای آوردن است. تشویق چیزی است که میتوان آن را

آزادانه ارائه داد زیرا همه شایسته تشویق شدن هستند. تحسین و تشویق دو پیام کاملا متفاوت مخابره میکنند. وقتی پدر و مادر تحسین میکنند به نوجوانشان میگویند که او شخص ارزشمند است نشان میدهند که پدر و مادر از نوجوان خود راضی هستند. اما تشویق پیام متفاوتی را میرساند: در مهم این است که درباره خود و درباره ی تلاشت چه احساسی داری»

تشویق به نوجوان ها کمک میکند تا هدفهای واقع بینانه ای برای خود در نظر بگیرند و سررشته ی امور زندگی شان رادر دست بگیرد . نتایج احتمالی این دو روش اغلب کاملا متفاوت است؛ با تحسین شدن و پاداش گرفتن نوجوان می آموزد که ارزشی خود را با توجه به کاری که میکند اندازه بگیرد، نوجوانها دراین شرایط برای آنکه مورد تکذیب قرار نگیرند راه راضی شدن و خشنود ساختن را می آموزند یکی از خطرات تحسین شدن این است که نوجوانها ممکن است تحسین را با ارزش شخصی خود مقایسه کنند این می تواند تولید شکست بکند ممکن است نوجوان در این شرایط انتظارات غیر واقع بینانه ای برای خود در نظر بگیرد و ارزش خود را با هر چه کاملتر انجام دادن کارها مقایسه کند. ممکن است نوجوان ها به این نتیجه برسند مادام که تحسین نوشند ارزشمند نیستند.

تشویق به جنبه های قوت نوجوان توجه دارد با اینگونه نوجوان میتواند توان مندی خود را شناسایی کند و به احساس اعتماد و مفید بودن برسد. نوجوان ها وقتی تشویق میوشد

میتواند بپذیرند که کامل نباشد با آنکه می دانند در حد صد در صد بی عیب و نقص
ظاهر شدن دشوار است تلاش خود را میکنند و مسئولیت در قبال رفتارشان را برعهده
میگیرند، پیشرفت خود را ارزیابی میکنند و از توانایی تصمیم گیری خود اطلاعاتی به
دست می آورند.

اثرات نامطلوب عادت به تشویق

باید سعی شود که فرد به تشویق و جایزه عادت نکند. به طوری که اگر مورد تشویق قرار
نگرفت و یا جایزه ای دریافت نکرد از کارنیک بار نماند. باید دقت شود که تشویق
هدف واقع نشود بلکه وسیله ای بایشد برای رسیدن به اهداف عالی به طوری که انگیزه
ی شخصی از انجام کارنیک فقط پاداش و جایزه نباشد. این وضعیت میتواند بسیار خطر
آفرین باشد به خصوص اگر این تشویقها از کار فرد مورد تشویق بیشتر ارزش داشته
باشد زیرا باعث میشود عادت ناسالمی در فرد ایجاد گردد که بعدها در مقابل هر تلاشی
اگر چه اندک انتظار ستایش و تقدیر خواهد داشت و بدون آن قادر به انجام کار و تلاش
نخواهد بود.

عادت به تشویق در افراد اثر نامطلوب دیگری نیز دارد و آن این است که گاهی در فرد
حالت رشوه گری ایجاد می شود. روانشناسان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند:
کودکانی که عادت به تشویق در آنها ایجاد می شود روانشناسان در تحقیقات خود به این

نتیجه رسیده اند. کودکانی که عادت به تشویق در آنها ایجاد شود در بزرگی کسانی

هستند که بدون گرفتن جایزه و پاداش حاضر نیستند به هموعان خود کمک کنند.

یکی دیگر از پیامدهایی که در تشویق نسنجیده در افراد ایجاد شود تغییرات در خلق و خوی آنهاست.

به این ترتیب که مثلاً مربی به فرد میگوید: اگر فلان مطلب از جانب تو انجام شود فلان

پاداش را خواهی داشت و از آنجایی که فرد ممکن است فکر کند چنین قدرتی را ندارد

و یا آن قدرت را دارد ولی تنبلی به او مهلت نمی دهد ممکن است به جای استقامت و

بردباری برای رسیدن به منظور، دست به بدخلقی نا صحیح بزند تا مربی انتظار آن اعمال

نیکو را از او نداشته باشد.

از دیگر اثرات نامطلوبی که گاهی ممکن است برای فرد، در امر تشویق ایجاد شود،

ایجاد؟؟؟؟ و اضطراب و نگرانی است و اثرات نامطلوب بر وجود انسان میگذارد.

اف. دی دیو در مجله آتلانتیک ماهیانه، شماره سپتامبر ۱۹۶۳ چنین درج کرده است:

تشویق و تقدیر خارج از حد، وی را بسیار عصبانی و تا اندازه ای وحشت زده ساخته

بود... او احساس میکرد بار دیگر کار بزرگتری انجام دهد، کار مهمی که بیم داشت از

عهده آن برنیاید. به هر حال این روحیه ای است که ممکن است بعضی از افراد که دچار

تشویقهای زیادی بشوند به آن دچار گردند.

البته قابل ذکر است که همانطوری که افراط در تشویق زیان بخش است تفریط هم پیامدهای سوئی به دنبال دارد.

بررسی روانشناسان به این نتیجه رسیده است که بسیاری از بیماران روحی که بزرگترین تزلزلها و بیماریهای عصبی و روانی آنها نداشتن تامین روحی و روانی بوده که در اثر عدم تشویق ایجاد شده است. زیرا در نتیجه ی احساس تنهایی و عدم توجه جامعه به زندگی و افکار و علایق و دلبستگی آنها، حالت روحی شان دگرگون گشته و دچار فشارهای روحی و عصبی شده اند.

نتیجه این که تشویق در اندازه مطلوب و حساب شده میتواند اثرات قابل توجه و معجزه آسایی به بار آورد و گرنه عدم آن بهتر از وجودش خواهد بود. تشویق مانند داروی شفا بخشی است که باید دقیقی و در میزان کافی و در وقت معین استفاده شود و چه بسا کم و زیاد شدن آن و افراط و تفریط در آن و به موقع نبودن آن ، اثرات نامطلوبی به بار می آورد.

تشویق در مورد چه کسانی اعمال میشود؟

در بیشتر موارد می بینیم که در مدارس و خانواده ها، عده ی معین و مشخصی از افراد تمجید و تشویق میشوند، در حالی که همه افراد دارای استعدادهایی هستند که با تشویق مربی با افراد دیگر جامعه میتواند به صورت قابل توجهی شکوفا شود و به شایستگی ها و پیشرفتهای قابل ملاحظه یا نایل شود.

اصولا در جوامع مختلف دو گروه مورد توجه بیشتری قرار میگیرند، افراد بسیار خوب و یا افراد بسیار بد و افراد متوسط که کارهای مورد توجهی چه خوب و چه بد انجام

نمی دهد، از تشویق و تمجید محروم می مانند و مورد تحسین و توجه اولیای امور قرار

نمی گیرند مثلا در مدارس رایج است که شاگردهای ممتاز در زمینه های اعم از درس ،

ورزش، اخلاق مورد لطف اولیای تعلیم و تربیت قرار گرفته و جوایزی نیز دریافت

میکنند که این قبیل تشویقها به جا و معقول میباشد. ولی گاه دیده میشود که مریبان

مواردی دانش آموزان نامتعادل و کم استعداد و یا شلوغ و ... را با دیدن کوچکترین

کارنیک تشویق می کنند و جوایزی به آنها اعطا میکنند . اما کمتر دیده میشود که افراد

متوسط که داری تواناییها و استعداد متوسط هستند مورد تشویق و توجه قرار بگیرند. البته

باید توجه داشت که این امر بر این افراد عده ایشان به مراتب از در گروه یاد شده بیشتر

است اثرات نامطلوبی خواهد گذاشت.

تحقیق نشان داده که استعدادها توانایی های این افراد متوسط، به علت مورد تمجید و

تشویق قرار نگرفتن ، آن چنان که باید شکوفا نمی گردد و در نتیجه رشد لازم را پیدا نمیکنند .

در تشویق و پاداش وفای به عهد شرط لازم است

یکی از روشهای مهم در امر تربیت روش الگویی است که از روشهای بسیار کر او مفید

می باشد و بیش از هر روش دیگری میتواند موثر بر اخلاق و کردار و گفتار فرد باشد؛

لذا مربی باید در عین حال که سعی میکند با تشویق و وعده فرد یا افراد مورد تربیت

را وادار به نیکی نماید خود نیز به عنوان الگویی باید قول و عملش با هم مطابقت داشته

باشد.

در تشویق مقایسه صورت نگیرد

متأسفانه ضعفی که در اغلب خانواده ها به چشم میخورد، قیاسی است که صورت می

گیردمربیان بدون توجه به استعداد های روحی و جسمی و توانایی های افراد، آنان را با

هم مقایسه میکنند.

این مقایسه کردن ها که در بزرگ ؟؟؟؟/ تاثیر نامطلوب داردبه طور طبیعی بر روی

کودکان و نوجوانان، که از ظرافت و لطافت روحی زیادی برخوردار میباشند ؛ اثرات

مخربی خواهد داشت.

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

لذا حداقل امکان باید بین آنها مقایسه که غالباً تحقیر نیز در آن نهفته است، صورت نگیرد

در عین حال باید دقت شود که در موقع تشویق، دیگران نیز کوچک نشوند و تحقیر

نکردند. گفتن جملاتی مانند تو سزاوار پاداش و جایزه هستی و فلان فرد اصلاً لیاقت تتو

راندارد اثر نامطلوبی بر فرد به جای خواهد گذاشت.

به هر حال باید این ابزار معجزه اسا (تشویق) به صورت صحیح و به دور از هر گونه

افراط و تفریط به موقع به اندازه و متناسب بر روحیه افراد، مورد استفاده قرار گیرد تا

اثرات نامطلوب ان در فرد و جامعه مشاهده نشود.

فصل سوم : تنبیه

اعتقادات برخی از صاحب نظران درباره ی تنبیه

بعضی از صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند که از آنجایی که باری هر عملی را عکس العملی است، انسان سزای عملش را خواهد دید.

ژان ژاک رو سرو معتقد است که مربی هرگز در ترتیب خردسالان نیازی به مجازات و

خشونت و کیفر ندارد، زیرا برای هر عملی، مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی

که میوه ی فاسدی را میخورد دچار دل درد می شود و بچه ای که به آتش نزدیک میشود

از آن آسیب می بیند و کلا هر کار نا صحیح دیگری که انجام دهد متناسب با آن

مجازات طبیعی در انتظار اوست.

«هربرت اسپنسر» یکی دیگر از صاحب نظران به مرییان و اولیا امور تربیت توصیه میکند که:

بهترین وسیله وصول به این است که هر کسی ثمره رفتار و عکس و العمل کراهی خود

را شخصا ببیند. او میگوید: «برای تعلیم اخلاق، توسل به وسایل تلقینی کاری بیهوده

است» و دکتر بنیامین اسپاک در کتاب خود به نام تغذیه و تربیت کودک در مورد این که

ایا تنبیه برای کودکان لازم است یا نه به می نویسد:

اکثریت والدین با تجربه دریافته اند که می توانند با موفقیت کاملی فرزندان خود را بدون اینکه هرگز مجبور به تنبیه آنها شوند اداره و تربیت نمایند از طرف دیگر اکثریت والدین معتقدند که گه گاهی مجبور میشوند طفل را تنبیه کنند.

این قضیه بستگی کاملی به تربیت خود والدین دارد. اگر آنها در دوران کودکی خود گه گاهی به علت موجهی تنبیه میشوند، طبیعتاً از تنبیه فرزند خود به علت و دلایل مشابه با کسی ندارند. ولی اگر آنها فقط با راهنمایی های مثبت والدین خود خوب تربیت شده باشند به احتمال قوی در مورد تربیت فرزندان خود نیز همان طریق را به کار خواهند بست.

ولی همچنین معتقد است که : نمی توان ادعا کرد که کدام یک از این دو حالت - تنبیه کردن یا نکردن - در تربیت کودک همیشه موثر واقع میشوند.

تنبیه به چه مفهومی است؟

در فرهنگ دهخدا تنبیه چنین معنی شده است : آگاه شدن، سیاست شدن، بیدار شدن از

غفلت

چوب زدن و کتک زدن و...

تنبیه به معنی آگاه کردن است . هدف این است که فرد به خطایش واقف شود، از آنجایی که انجام کارهای زشت انسان و عدم انجام اعمال خوب او، غالباً ناشی از نداشتن اوست، لذا مهمترین مساله در امر برای نگاه کردن اشخاص با استعداد ها سن ها و شخصیت ها

ی مختلف راههای متفاوتی وجود دارد، از جمله نگاه کردن به فرد خطا کار به طوری که متوجه خطای خویش شود یا پند و موعظه و یا بر قرار کردن رابطه ای عاطفی با شخص و توجه دادن به او و یا مباحثات و مناظرات مستقیم و غیر مستقیم .

اما آن مفهومی که از کلمه ی تنبیه ی بیشتر به ذهن افراد خطور میکند، ضرب و شتم و ... است؛ در حالی که مفهوم لغوی تنبیه غالباً به معنی آگاه نمودن است اگر چه در مفاهیم

دیگر نیز به کار رفته است. در کتاب « فرزند شما به عنوان یک شخصیت your child as a person » چنین آمده است : احتراماً به شخصیت کودک ایجاب میکند که از مجازاتهای

بدنی به منظور انتقام یا به عنوان تنها وسیله یا اولین وسیله آموزشی جلوگیری میشود، زیرا کودک مانند سایر حیوانات نیست ، مجازاتها بدنی شخصیت کودک را خرد میکند و از بین می برد.

شدت تنبیه در گذشته چگونه بوده است ؟

کتابی با نام آموزش و پرورش کهن و نوین شیوه یهودیان در مورد تنبیه را نشان میدهد محبوبیت کتاب امثال و حکم سلیمان نشان میدهد که یهودیان در مورد تنبیه طرفداران عقیده ی زمان خود بودند که آموزش و پرورش و تنبیه را لازم و ملزوم یکدیگر میدانست.

این عبارات کهن که در زیر آمده است همانطوریکه به گوش والدین زمان ویکتوریا آشنا

بود برای والدین زمان حضرت عیسی نیز تازگی داشت و گویی انگیزه ای شده بود که

در طی قرون و اعصار چوب و فلک رایگانه چاره ی پسران سرکش بدانند.

« پدری که از تنبیه بدنی اجتناب کند از پسرش متنفر است ولی اگر او را دوست داشته

باشد با دقت و مراقبت تنبیه ش میکند»

«قلب کودک مملو از شیطنت و سرکشی است ولی ترکه ی استاد آنها را از قلبش بیرون

میراند»

«تنبیه را از کودک دریغ مدار چون اگر او را با ترکه بزنی نخواهد مرد. او را با ترکه

خواهی زد ولی روحش را نجات خواهی بخشید»

«تنبیه و سرزنش کودک را عاقل میکند ولی طفلی که به حال خود گذاشته شود سبب

شرمنده گی مادرش خواهد شد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/22/2012 12:24:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/22/2012 12:24:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 22
Number of Words: 2,875 (approx.)
Number of Characters: 16,388 (approx.)